

## راجع بقانون اصلاح منع کشت خشخاش و مواد مخدره

در آبانماه ۱۳۳۴ قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک ضمن پنج ماده تصویب و اجرای آنرا بوضع آئین نامه خاصی موکول نمودند.

پس ازچندی آئین نامه ضمن پانزده ماده وحی مشتمل بر تعیین کیفر نسبت بکشت کنندگان خشخاش و تهیه اماکن عمومی برای استعمال مواد افیونی و کیفیت درمان معتادین و نحوه وظایف مأمورین دولت در طرز جلوگیری از کشت خشخاش و نحوه تشکیل سازمان مبارزه باتریاک وضع و تدوین گردید.

این قانون که بطور کلی کشت خشخاش و استعمال و زرع آنرا ممنوع نموده بود همین ممنوعیت را با طرز تند و شدیدی چه از لحاظ ترقی دادن بزه مزبور از جنبه جنایت و چه از جهت شدت تأمین وحی در پاره از موارد آنهم از جهات جریمه بصورت دیگری تحت عنوان اصلاح قانون منع کشت خشخاش وضع و تصویب نموده است.

هر چند در طرز رسیدگی بزه مزبور از لحاظ خارج از نوبت رسیدگی شدن به پرونده ها ارفاق نسبت بمتهم رعایت شده ولی تسریع در اجراء و جلوگیری از استعمال افیون برای طبقه ای که این عمل برای آنها عادت ثانوی شده بسیار مشکل و طاقت فرسات وحی میتوان گفت یک ناراحتی عمومی برای سایر طبقاتیکه فشار روحی معتادین را احساس مینمودند بوجود آورد!

زیرا ضرورت داشت همانطوریکه در قانون ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری و قانون مصوب ۱۳۰۷ شمسی ۷ سال و ۱۰ سال ضرب الاجل برای ترك اعتیاد مقرر داشته بود همان مهلت را هم برای ترك معتادین رعایت میکرد.

مخصوصاً جرمیکه حکم اعدام در یکی از مواد آن پیش بینی شده است بویژه که قانونگذار اهتمام زیادی داشته که فروض عدیده ای در این قانون پیش بینی و برای هر یک از فروض هم مجازات شدیدی چه از لحاظ حبس و چه از لحاظ جریمه مقرر داشته اهمیت موضوع و شدت و حدت قانون از لحاظ اعتیاد اجتماع به استعمال افیون که همین امر موجب کثرت ارتکاب این نوع جرم بود ایجاب مینمود که در اطراف پاره ای از مواد آن بحث قضائی و نظریات شخصی را در مباحث متعددی توضیح دهد.

ملاك بزهکاری در مورد جرائم قاچاق مواد مخدره در قوانین خارجی احراز رابطه مالکیت مابین شخص و ماده مخدره قرار داده شده و از این معنی به حیات دائم تعبیر شده مستلزم نمودار خارجی و مظهر است.

بطور کلی هر یک از عناوین از قبیل مالکیت و نسب و ابوت و بنوت و خلاصه

### راجع بقانون اصلاح منع کشت خشخاش

هر امر غیر محسوسی که وجود واقعی دارد علم بوجود آن مستلزم آثاری است که آن آثار مظهر و نمودار آن وجود است.

مثلاً تصرف نمودار مالکیت است و اگر تصرف که آثار رابطه مالک با مملوک است موجود نباشد نمیتوان بوجود آن پی برد.

یادرمورد قاچاق مواد مخدره در ماده ۵ عمل وارد نمودن و یساختن و در ماده ۶ فروش ماده مخدره اعمال سلطه مالکیت و مظهر مالکیت مالک آن و با حمل از محل به محل دیگر و یا اختفای در ماده ۷ تمام این عناوین مظاهر و نمودار مالکیت هستند که اگر تمام این عناوین در مورد شخص واحد جمع شود مالکیت شخص را حکایت داشته و دادگاه فقط یک کیفر برای آن تعیین مینماید.

مثلاً اگر کسی شیئی مخدر را خرید و سپس فروخت و بعداً باز خرید نمود و سپس از محل خریداری به نقطه دیگر حمل و بعداً مخفی کرد کیفرهای متعدد تعیین نمیشود بلکه یک کیفر تعیین میگردد.

زیرا علت غائی و هدف اصلی در تمام این مظاهر تشخیص وجود واقعی رابطه است و در هر یک از مراحل که کشف شود کیفر همان مرحله داده میشود.

و نقطه مقابل حیازت دائم حیازت موقت است که این حیازت موقت در امین و مستاجر و وکیل و یا مثلاً در مورد شاگرد مغازه که مال ارباب خود را میفروشد و یا مال ارباب خود را در محلی مخفی مینماید صدق میکند و چون معلوم شد مالک مالکیت حیازت دائم که استقرار سلطه مالکیت است شناخته شده ولو آنکه در صورت ظاهر شاگرد مغازه مال را فروخته ولی در حقیقت فروشنده صاحب مغازه است و نفع و ضرر عاید آن میگردد.

اگر نوکر یا شوهر مال را بوسیله ماشین از مغازه حمل بانبار صاحب مغازه نمود حامل صورتاً خود نوکر و یا شوهر بوده ولی نقل دهنده واقعی خود صاحب مغازه محسوب میشود ولی چون در ماده ۸ او را معاون مجرم شناخته از لحاظ تعیین تکلیف خاص او را باید بزهکار دانست ولی در مورد اخفاء شاگرد مغازه هر چند آنرا صورتاً مخفی نموده ولی قصد اخفا و مصونیت از کشف آن از ناحیه صاحب مغازه سر زده است در تمام این فرض مرتکب صاحب مال است.

و اگر احياناً مخفی کننده و یا دارنده را مرتکب معرفی بنمایند فرض قانون آنست که در موقع دستگیری بجای مالک معرفی میشود و از این لحاظ تعقیب میگردد ولی همینکه خلاف آن ثابت شد مثل اینکه اجازه نامه مغازه و قبوض پرداخت مالیات صاحب مغازه و یا اقرارنامه صاحب مغازه بدست آمد آن کسی که بعنوان حیازت موقت تصرف داشته معاف از تعقیب و مرتکب واقعی حائز دائم خواهد بود.

دلیل این معنی همان ماده ۸ میباشد که صراحت دارد اگر معلوم شد حامل غیر از مالک است معاون جرم شناخته میشود و اگر کلمه حامل در ماده ۷ اعم از جائز دائم و موقت بود ذکر ماده ۸ ضرورتی نداشت بنا بر این برای مأمورین تعقیب جرائم تحقیق از مالک ماده مخدر ضرورت حتمی دارد.

### راجع بقانون اصلاح منع کشت مخدعاش

مخصوصاً که با تأمین شدید توقیف چنانچه محقق شد مال تعلق بدیگری دارد اساساً حائز موقت مشمول ماده ۴ و ۵ و ۷ و ۸ نبوده و بایستی مالک آن بازداشت و توقیف گردد.

با در نظر گرفتن رویه قاچاقچیان کشور که همیشه با کمال تیزی و زبردستی سعی دارند مدارکی برای روز گرفتاری خود تهیه نموده و اشخاص بیگناهی را بعنوان شاگرد یا شوفر یا کارگر اجیر و استخدام نموده و مال مورد قاچاق را بوسیله آنان مورد استفاده قرار دهد شایسته است مأمورین تعقیب جرائم همیشه مراتب مزبور را مورد توجه قرار داده و مراقبت نمایند که مجرم واقعی از مجازات و تعقیب خلاص نشود تا بجای او بیگناهی را مورد تعقیب و بازداشت و محاکمه قرار دهند.

مخصوصاً با وسائلی که مجرمین واقعی و مرتکبین قاچاق از هر جهت در اختیار دارند بر مأمورین تعقیب جرائم است که هدف اساسی خود را در کشف حقیقت و بدست آوردن مجرم واقعی قرار داده و مادام که دلائل قاطع بدست نیامده از اقدامات شدید خودداری نمایند تا بیگناهی دامنگیر عقاب و گناهکاری از مجازات فرار نکند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی